



|| شماره ۴ || سال دوم || تابستان ۱۳۹۷ ||

مطالعه تطبیقی واقعه تاریخی: ذبح حضرت اسماعیل علیه السلام در متون مذهبی با یافته‌های باستان‌شناختی از بابل - بین‌النهرین

خلیل‌الله بیک‌محمدی^۱

(صص: ۹۸ - ۸۵)
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۲۴
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۲/۱۷

چکیده

چندی از اتفاقات مهم زندگی حضرت ابراهیم علیه السلام در بابل - بین‌النهرین رقم خورده، بنابراین نام آن حضرت برای مردم بابل آشنا بوده است. شهر بابل یکی از تمدن‌ها و شهرهای واقع در جنوب بین‌النهرین است. مردم بابل خدای یکتا و بزرگ را نمی‌شناختند و بت‌های سنگی را می‌پرستیدند، تا این‌که حضرت ابراهیم علیه السلام پس از حضورش در این شهر، بت‌های معبد این شهر را درهم شکست و به همین دلیل وی را به دستور نمرود داخل کوهی از آتش انداختند و آتش برای او گلستان شد. او مسلمانی پاک‌دین بود که به جز خالق یکتا بر هیچ چیز دیگر سجده نکرد؛ پیامبری که مورد ابتلاء قرار گرفت و هربار سربلند از آزمایش الهی، خود را به معبودش نزدیک‌تر یافت. یکی از آزمایشات حضرت ابراهیم علیه السلام، «ذبح» فرزندش حضرت اسماعیل علیه السلام به دستور خداوند باری تعالی است و بعد از این آزمایش الهی بود که او مقام خلّت را از درگاه پروردگار خود گرفت و تاج خلیل‌اللهی^۱ را بر سر نهاد. وقایع زندگی او به صورت مفصل در قرآن کریم^۲ آمده است. اثر مهرهای منقوش از جمله منابع تصویری و مکتوب و یکی از راه‌هایی است که ما را از زمان باستان و تحولات اجتماعی آن‌ها آشنا می‌سازد. با مطالعه بر روی اثر مهرها و نقوش آن‌ها می‌توان با زندگی اجتماعی مردمان پیش از تاریخ و نحوه فعالیت‌ها، آداب و رسوم، اعتقادات، سنن و خصوصیات زندگی‌شان آشنا شد. یکی از مهم‌ترین یافته‌های کاوش باستان‌شناختی شهر بابل، «اثر مهری» است که نقش ترسیم‌شده بر روی این قطعه گل منقوش، روایت بریدن سر شخصی (ذبح) را تداعی می‌کند که "مضمون" آن قابل قیاس با ذبح حضرت اسماعیل علیه السلام است. سؤال اصلی این پژوهش این است که چه ارتباط معنایی و زمانی بین واقعه تاریخی ذبح حضرت اسماعیل علیه السلام با اثر مهر به دست آمده از بابل وجود دارد؟ با فرض داشتن ارتباط معنایی در مضمون هر دو داستان، در این نوشتار سعی شده است واقعه تاریخی ذبح حضرت اسماعیل علیه السلام که یکی از مهم‌ترین قصص مختلف قرآن کریم و منابع دینی و عرفانی ادبی است، با یکی از مهم‌ترین یافته‌های تصویری باستان‌شناختی از شهر بابل (شامل اثر مهری از صحنه قربانگاه که مشابه با واقعه تاریخی ذبح حضرت اسماعیل علیه السلام است) را بازگو کرده و ارتباط بین این دو ارائه گردد.

کلیدواژگان: حضرت ابراهیم علیه السلام، ذبح، حضرت اسماعیل علیه السلام، بابل، اثر مهر.

مقدمه

ابراهیم علیه السلام از بزرگ‌ترین پیامبران الهی است که برای هدایت انسان‌های هم‌عصر خود فرستاده شد؛ پیامبری که از طرف اسماعیل، جد پیامبر بزرگوار اسلام (ص) و از طرف اسحاق، جد پیامبرانی چون موسی و عیسی علیهم السلام است. ابراهیم علیه السلام در طول زندگی خود با سختی‌ها و مشقات فراوانی مواجه شد. خداوند در قرآن کریم (سوره‌های ابراهیم، نساء، آل عمران، نحل) بخش‌های مختلف وقایع زندگی حضرت ابراهیم را به صورت مفصل بیان فرموده و شأن و مقامی بس والا را به او اختصاص داده است. بخشی از تورات نیز به شرح ماجرای حضرت ابراهیم اختصاص یافته که از -سفر پیدایش، باب دوازدهم- با ذکر سفرهای ابراهیم آغاز می‌گردد و با نقل جزئیات زندگی او ادامه می‌یابد و به وفات او ختم می‌شود. اما انجیل به صورت مجزا از زندگی این پیامبر الهی سخنی به میان نیاورده است و تنها هنگام طرح مباحث گوناگون دینی و برای اثبات این مطالب، اشاراتی کوتاه به بعضی از زوایای این واقعه تاریخی داشته است. با مقایسه قرآن کریم و عهدین (برای اطلاع بیشتر در این باب ن. ک: نجفی، ۱۳۸۱) روشن می‌شود که برخی از قسمت‌های اصلی و مهم این واقعه تاریخی در تورات و انجیل ذکر نشده، در حالی که قرآن کریم به عنوان بخش‌های مهم زندگی خلیل خدا از آن یاد می‌کند؛ «لا احب الاقلین» مناظره با قوم بت پرست، به آتش افکندن او، بنای کعبه و چگونگی زنده شدن مردگان. در قسمت‌هایی که در قرآن کریم و عهد قدیم بازتاب یافته است، گاه تفاوت‌های چشم‌گیری در نوع روایت و جزئیات واقعه تاریخی به چشم می‌خورد. به عبارت دیگر، در روایت تورات، ابراهیم تنها منزلت یک شخصیت تاریخی را دارد که گاه متوسل به دروغ می‌شود (در ماجرای ساره و حاکم حران) و گاه در رفتارش نسبت به همسر و فرزندش نوعی ظلم و بی‌عدالتی روا می‌دارد. نیز در ماجرای هاجر که پس از خواسته ساره مبنی بر اخراج هاجر و پسرش از خانه، خداوند ابراهیم را تنها به دلیل این که «نسل تو به اسحاق خوانده خواهد شد» به شنیدن سخن ساره فرا می‌خواند (نجفی، ۱۳۸۱).

قصص مختلف حضرت ابراهیم علیه السلام در متون تفسیری نیز بازتاب چشم‌گیری دارد. مفسران قرآن در تفسیر آیاتی که مربوط به زندگی این پیامبر خداست، به صورت مشروح به بخش‌های مختلف وقایع زندگی وی اشاره کرده‌اند و درباره علل رخدادهای زندگی ابراهیم با موشکافی نظر داده‌اند. قرآن کریم پیوسته الهام بخش معنویتی عظیم در دل‌های عرفای مسلمان بوده و بنابراین بسیاری از الگوهای قرآنی در ادبیات عرفانی ما بازتاب یافته است. تکریم و ارج نهادن قرآن کریم به این پیامبر الهی سبب شده که بسیاری از عرفا درباره این شخصیت والای قرآنی به تفکر و تعمق پرداخته، زوایای مختلف زندگی او را بررسی کنند. ابراهیم علیه السلام در سراسر زندگی خود از آزمایش‌های گوناگونی که پروردگار متعال او را به آن‌ها آزمود، سربلند بیرون آمد. از نکات قابل توجه در مورد حضرت ابراهیم حضور وی در شهر بابل و مباحث و وقایع مختلف است. امتحان الهی حضرت ابراهیم علیه السلام در قربانی کردن فرزند خویش، که از فرازهای بلند زندگی این پیامبر بزرگ الهی است، در قرآن کریم مورد اشاره قرار گرفته است. به دلیل اجمال موجود در آیات مربوط به واقعه تاریخی ذبح و عدم بیان فرزند قربانی و محل ذبح، از صدر اولیة اسلام در تعیین نام ذبیح در بین مفسران اسلامی اختلاف نظر وجود داشته است، اما این اختلافات از قرن هفتم هجری به بعد فروکاسته و نام اسماعیل علیه السلام به عنوان نامزد قربانی در سنت اسلامی به ثبت رسیده است. امروزه برخی مستشرقان مدعی اند که منابع اولیة اسلام، اسحاق علیه السلام را به عنوان ذبیح الله معرفی کرده‌اند و ذبیح الله خواندن اسماعیل علیه السلام قرن‌ها بعد به دلایلی از جمله رقابت با یهودیت در متون و تفاسیر اسلامی وارد شده است. (آقاحسینی و زراعتی، ۱۳۸۱: ۶۰-۵۸). به دلیل گسترده بودن تفاسیر ذبیح، در این نوشتار نکات مهم مصداق ذبیح الله آورده شده است.

لوحه‌های گلی منقوش به جامانده از مهرهای مسطح و استوانه‌ای از جمله منابع تصویری و مکتوب روایت‌کننده تحولات اجتماعی و فرهنگی ادوار مختلف تاریخی از هزاره چهارم ق.م تا اواخر دوره ساسانی بوده‌اند. با مطالعه بر روی اثر مهرها و نقوش آنها می‌توان با زندگی اجتماعی و نحوه فعالیت‌ها، آداب، رسوم و اعتقادات، سنن و خصوصیات زندگی‌شان آشنا شد. یکی از مهم‌ترین یافته‌های کاوش باستان‌شناختی شهر بابل، «اثر مَهْرِي» است که نقش ترسیم‌شده بر روی این قطعه گل منقوش، تصویر قربانگاهی است که «مضمون» آن قابل قیاس با واقعه تاریخی ذبح حضرت اسماعیل (ع) در قرآن کریم است. برای تحلیل این اثر هنری در این بین به گفته «روژه باستید» اشاره می‌کنیم که معتقد است: «مدت‌هاست دریافته‌ایم که هنر یک بازه ساده شخصی بی‌نتیجه نیست، بلکه بر زندگی جمعی انسان‌ها اثر می‌گذارد و می‌تواند سرنوشت جوامع انسانی را دگرگون کند». باید از خود پرسیم آیا این رابطه دو سویه نیست؟ آیا هنر خود یک فرآورده زندگی جمعی انسان نیست؟ و سرنوشت آن وابسته به سرنوشت جوامع انسانی نمی‌باشد؟ (باستید، به نقل از: رفیع فر، ۱۳۸۱: ۶). باید در تفسیر آثار هنری و نقش‌های ترسیم‌شده در هر جامعه و فرهنگ ابتدا به یک جامعه‌شناسی مردمی پرداخت و سپس به تحلیل و نقد هنر آن.

روش تحقیق

در این نوشتار، مهم‌ترین بخش‌های فرمان ذبح حضرت اسماعیل (ع) به حضرت ابراهیم (ع)، در قرآن و منابع دینی و مشهورترین متون تفسیری و عرفانی مرتبط و تطبیق آن با یافته‌های باستان‌شناختی در شهر بابل - عراق بررسی شده است. تحقیق در این مقاله به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای و تحلیل محتواست که با مراجعه به تفاسیر و متون مذهبی و عرفانی و بازتاب دیدگاه عرفا و مفسران در این آثار به رشته تحریر درآمده است.

شهر و تمدن بابل

تمدن بین‌النهرین یا سومری که از نخستین تمدن‌های بشری است، در چندین شهر باستانی شکوفا شده که یکی از باشکوه‌ترین و تأثیرگذارترین آن‌ها بابل بوده است. شهرهای این تمدن همگی از هسته‌ای روستایی با رشدی سازمان‌یافته به شهر تبدیل شده و هویتی کاملاً شهری یافته‌اند. بابل نیز از این قاعده مستثنی نبوده است، آوازه افسانه‌ای این شهر حتی از لابه‌لای خطوط کتب مقدس مسیحیان و یهودیان نیز نمایان است؛ شگفت آن‌که با کشفیات انجام‌شده در قرن نوزدهم میلادی و جستجوی بقایای شهر و به‌ویژه «الواح گلی» دست‌نوشته سومری‌ها و بابلی‌ها که بزرگ‌ترین کتابخانه‌های مکتوب مکشوف از دنیای باستان، توسط باستان‌شناسان بوده است، مشخص گردید که افسانه بابل دور از حقیقت نبوده است. آن‌چه بابل را از سایر شهرهای این تمدن متمایز می‌سازد، اقتدار تاریخی آن و عظمتش به خصوص در زمان بخت‌نصر است. این اقتدار نشان از وجود اندیشه‌ای برتر در تمام جنبه‌های زندگی مردمان و تبلور هنرمندان آن در ابعاد کالبدی دارد و به‌راستی می‌توان داستان تاریخی این شهر و تأثیرش را بر سایر سرزمین‌ها، چه در همان دوران و چه در روزگاران پسین، اندیشه‌ای هنرمندانه نامید (شی‌پرا، ۱۳۴۱، ۷).

جغرافیا: بابل در جنوب بین‌النهرین قرار گرفته است. پایتخت سرزمین باستانی بابلونیا، شهر بابل «الحیله» جایگاه کنونی آن در هشتاد کیلومتری رودخانه فرات، در جنوب شهر بغداد امروزی واقع است. این سرزمین باریک و بلند که در پهن‌ترین نقطه، حدود شصت و پنج کیلومتر پهنا و حدود سیزده هزار کیلومتر مربع وسعت دارد، از شمال با کشور آشور، از شرق با کشور عیلام، از جنوب و غرب با سرزمین حجاز و از جنوب شرقی با خلیج فارس همسایه بوده است (نقشه ۱)، (Burrell, 1994, Vol. I, p. 125).



نقشه ۱. نقشه جغرافیایی تمدن و شهر بابل در بین‌النهرین و عراق امروزی (Http://Www.Biblesoft.Com).

تاریخ: تاریخ سرزمین بابلونیا و به‌دنبال آن شهر بابل، دارای فراز و نشیب‌های بسیار است. بارها این شهر مزه تلخ شکست و ویرانی را چشیده، ولی دوباره به یاری خرد سیاست‌گزاران و مردمانش روی پای ایستاده است، تا سرانجام بابل از باشکوه‌ترین شهرهای تاریخ بشری گردیده است. بخت نصر به معنی دروازه خداست، بنابر نوشته کتاب مقدس عهد عتیق، بابل «باب ال» کلمه بابل برگرفته از ریشه عبری بوده که فرزندان نوح عليه السلام آن را ساخته و برج بلندی را با این هدف که به آسمان شهری در ناحیه شنار (Shinar) راه یابند در آن بنا می‌نهند، ولی خداوند آنان را با این عمل غرورآمیز عقاب فرمود و اتمام آن کار را مانع آمد، یعنی: «آن برج ناگهان سرنگون گشته و ایشان را از ترس، سخن گفتن فراموش شد و از این‌رو پراکندگی در زبان‌ها» ی ایشان روی داد (سفر پیدایش، باب ۹/۱-۱۱). آن چه در مورد این سرزمین در انجیل آمده است، بیشتر به زمان حمورابی (هزاره دوم ق. م) تا سقوط بابل حدود ۵۵۰ ق. م به کوروش کبیر بازمی‌گردد (PC Study Bible). در انجیل آمده است: پس از طوفان نوح، که تمام مردمان به یک زبان مشترک سخن می‌گفتند، مردی به نام نمرود (Nimrod) از نوادگان پسر نوح شهری را بنا کرده و دینی یگانه را بنیان نهاد. در این کتاب در مورد ساختمان، این شهر و برج نامدار آن که بامش به بهشت می‌رسد سخن‌ها گفته شده است؛ هم‌چنین گفته شده که چگونه خداوند از آسمان به زمین آمد تا «بشر سرشار از خودبینی» را با ایجاد انبوه آشفته‌ای از زبان‌ها و نیز اختلافات نژادی مجازات کند. بدین روش، بشر مجبور می‌شد تا از فرمان اصیل الهی پیروی کرده و بارور باشد و روی همه زمین پراکنده شود (PC Study Bible). از دیدگاه تاریخ‌شناسان جدید، بابل نام شهر باستانی بسیار کهنی است که پایتخت پادشاهی بابلی‌ها و کلدانی‌ها بوده، دو هزار سال ق. م به وجود آمده و با پیروزی ایرانیان و پس از ایجاد شهر تیسفون ویران شده است. ویرانه‌های بابل هم‌اکنون در نزدیک فرات، نزدیک شهر جدید حله موجود است (شی‌یرا، ۱۳۴۱: ۳۳). یادآوری این نکته خالی از لطف نیست که دستگاه‌های دینی دنیای امروز، ریشه در این سرزمین باستانی دارند (Northcott, 1988: P 47).

دوران بخت‌نصر دوم از همه‌جهت، دوران رشد و بالندگی و شکوه بی‌مانند سرزمین بابلونیا است. وی که در سال ۶۰۵ ق. م. به پادشاهی رسید، بابل را به اوج شکوفایی خود رساند. در زمینه فرهنگ، ادبیات، هنر و معماری آثار باارزشی از عصر بخت‌نصر باقی مانده که یک قرن بعد هرودت،

تاریخ‌شناس یونانی از آن می‌نویسد. ارزشمندترین آنان می‌توان «باغ‌های معلق» را نام برد که یونانی‌ها آن را یکی از شگفتی‌های هفتگانه عالم نام می‌بردند. بخت نصر با استفاده از گنجینه‌هایی که از سایر ملل به دست می‌آورد، شهر بابل، پایتخت سرزمین بابل و یکی از ارزشمندترین شهرهای جهان را بنا نهاد (Chisholm, 1991: P 33). بعد از جنگ جهانی اول در ۱۹۲۱ م. دولتی مستقل و ملی به نام نوین عراق در سرزمین بابلونیا تأسیس شده است (شی‌یرا، ۱۳۴۱: ۵۳-۵۴). آن چه از آن سرزمین افسانه‌ای در عراق امروزی باقی مانده، تلی است که ویرانه‌های کاخ تابستانی بخت نصر، دروازه ایشتر و چند مجموعه کاخ دیگر و نیز معبد خدای مردوک و زیگورات و یک منطقه مسکونی را دربر می‌گیرد. قسمت‌هایی از دروازه ایشتر بازسازی شده است (Roux, 1993: P. 101).

حضرت ابراهیم علیه السلام در بابل

بابل در جنوب بین‌النهرین شاهد اتفاقات تاریخی بسیاری است. یکی از این اتفاقات مهم در زمان پادشاهی به نام «نمرود» می‌باشد که در این سرزمین حکومت می‌کرد. مردم بابل خدای یکتا و بزرگ را نمی‌شناختند و مشغول پرستش بت‌های سنگی بودند تا این که حضرت ابراهیم علیه السلام به دنیا آمد. پس از مرگ پدر و مادرش، سرپرستی حضرت ابراهیم علیه السلام را عمویش آزر بت‌تراش برعهده گرفت. او که خود مردی بت‌ساز بود، از کودکی ساختن و پرستش بت‌ها را به آن حضرت آموزش می‌داد و این برای حضرت ابراهیم سؤال بزرگی بود که چگونه می‌توان بتی را پرستش کرد که ساخته دست انسان است؟ حضرت ابراهیم علیه السلام که به خدای یکتا اعتقاد داشت، روزی که مشغول ذکر گفتن در دشتی بود، حضرت جبرائیل بر او نازل شد و ایشان به پیامبری برگزیده شدند. چندی بعد در شبی که اهالی شهر برای انجام مراسمی به خارج از شهر رفته بودند، حضرت ابراهیم علیه السلام به بهانه بیماری در شهر ماند و به امر خدا وارد بت‌خانه شد و همه بت‌ها را در هم شکست و تبری را که با خود داشت بر دوش بت بزرگ گذاشت، سپس خارج شد. از آن جایی که خدمت‌کار بت‌کده ایشان را دیده بود، شکستن بت‌ها را به هارپاگ - وزیر نمرود - گزارش داد و به این ترتیب ابراهیم علیه السلام را نزد نمرود بردند. علت شکستن بت‌ها و اهانت به خدایان را سؤال کردند و ایشان فرمودند که کار «بت بزرگ» است. نمرود در جواب گفت: بت‌ها قادر به حرکت نیستند و توانایی انجام کاری را ندارند. در اینجا بود که حضرت ابراهیم علیه السلام فرمودند: چگونه خدایانی را می‌پرستید که قادر به انجام هیچ کاری نیستند. نمرود که از این پاسخ عصبانی شده بود، دستور داد تا آن حضرت را به درون آتشی به بلندی افلاک در میدان شهر بیندازند تا درسی برای عبرت دیگران باشد. در آن شب در میان انبوه مردم، حضرت ابراهیم علیه السلام را توسط منجینی در آتش انداختند، ولی به اذن خداوند آتش بروی سرد شد و هیزم‌ها به گلستان تبدیل شدند. او بانگ برآورد: «خداوند بزرگ و یکتا خالق دنیا و مخلوقات می‌باشد، نه می‌زاید و نه زاده کسی است. او بی‌نیاز و یکتاست و هم‌تا و مانند‌ی ندارد و اوست که جان می‌بخشد و جان می‌ستاند». به دستور نمرود ابراهیم را به زندان می‌آورند و در آنجا از دو زندانی محکوم به مرگ، نمرود یکی را کشت و دیگری را آزاد کرد و گفت: «من هستم که می‌توانم جان دهم و جان بستانم و فردا هم با خدای تو خواهم جنگید». فردای آن روز نمرود به بالای برج بابل رفت و اظهار قدرتمندی کرد و آماده جنگ شد. تیری در کمان گذاشت و رها کرد. همه جا در سکوت بود که ناگهان مگسی از سوراخ بینی وی وارد مغز او شد و به دستور خدا زنده ماند و شروع به خوردن مغز نمرود کرد. کمی بعد، نمرود که خود را خدای بزرگ بابل می‌دانست، از شدت درد جان به جان آفرین تسلیم کرد (طاهری‌احمدی، ۱۳۶۳، ۵۵-۱۰).

آزمایش الهی حضرت ابراهیم علیه السلام و ذبح اسماعیل علیه السلام

پروردگار متعال همواره بندگان خود را با آزمون‌های مختلفی می‌آزماید تا میزان خلوص بندگی

آن‌ها برای خودشان روشن شود. پیامبران الهی نیز در معرض این ابتلائات قرار داشتند. چه بسا آزمون‌هایی که انبیا به آن‌ها مبتلا می‌شدند، بسیار سخت‌تر از آزمایش‌هایی بود که برای دیگر انسان‌ها پیش می‌آمد. واقعه تاریخی ذبح اسماعیل توسط پدرش نیز یکی از آزمایش‌هایی بود که خداوند پیامبر خود را بدان آزمود (میبدی، ۱۳۶۱ ج ۱: ۳۵۲).

اولین نکته مهم در واقعه تاریخی ذبح فرزند، مسأله ذبیح است. درباره این‌که ذبیح اسماعیل است یا اسحاق، اختلاف نظر وجود دارد. مفسران نیز در این باره نظرات معتقدان به ذبیح بودن اسحاق و اسماعیل را با دلایل آن مطرح کرده و به صورت مفصل به این موضوع پرداخته‌اند. اگرچه بیشتر عرفا از اسماعیل به عنوان ذبیح یاد می‌کنند، اما در منابعی هم نام اسحاق ذکر شده است. در «جوهر الذات» که در انتساب آن به عطار نیشابوری تردید وجود دارد، هرگاه نامی از ابراهیم و اسماعیل آمده، پس از آن از اسحاق یاد می‌گردد. در همه این موارد، لفظ «قربان و قربانی» در مورد اسماعیل و تعبیر «سربریده» برای اسحاق به کار رفته است. در متون تفسیری همه جزئیات واقعه تاریخی، از خواب دیدن ابراهیم، گفتن خواب برای فرزند، تسلیم پدر و پسر در برابر فرمان الهی، بردن فرزند به قربانگاه تا وسوسه هاجر، اسماعیل و ابراهیم توسط شیطان و پرتاب سنگ به شیطان، نبریدن چاقو و فرستادن فدیة از جانب خداوند، به صورت مفصل مطرح شده است. البته گاه اختلافاتی در زمان و مکان خواب دیدن ابراهیم در این متون به چشم می‌خورد؛ ابوالفتوح رازی معتقد است که ابراهیم در شب ترویبه، خواب ذبح را دید (رازی، ۱۳۸۵ ق، ج ۹، ۳۲۱). طبرسی نیز خواب ذبح را مربوط به زمانی می‌داند که ابراهیم به همراه ساره به سفر حج مشرف شده بود، که پس از آن قصد منا کرد و رمی جمره را به جا آورد. سپس خانواده را به زیارت امر کرده و خود با فرزندش به جمره وسطی رفت و قصد قربانی فرزند را نمود (طبرسی، ۱۳۵۸: ۲۱۴). روایتی نیز حاکی از آن است که پس از رشك ساره نسبت به هاجر و اخراج اسماعیل و مادرش از خانه ساره، این اتفاق صورت گرفت (همان: ۳۴). در حالی که عرفا به علت فرمان ذبح به ابراهیم علیه السلام می‌پردازند، صاحبان متون تفسیری درباره علت این‌که خداوند در خواب، فرمان ذبح فرزند را به ابراهیم داد، سخن می‌گویند. از نظر مفسران دلیل این مسأله را در دو علت باید جستجو کرد؛ اول این‌که ابراهیم از پیامبران مرسل بود؛ یعنی جبرئیل را می‌دید و صدایش را می‌شنید و می‌توانست علاوه بر مشافهه، به آواز جبرئیل و یا مرسل خواب، دستور خدا را دریافت نماید و این‌که خداوند او را به خواب فرمان داد برای این بود که او هر سه نوع پیغامبری را تجربه کند. علت دوم این‌که این فرمان امری مطلق از جانب خدا نبود که ابراهیم مأمور به انجامش شود، بلکه نذری بود که ابراهیم با خداوند بسته بود و اینک پروردگار می‌خواست تا او را بیازماید که آیا پیامبرش به نذر خود وفا خواهد کرد؟ در واقع خداوند او طلب کشتن فرزند را از ابراهیم نمی‌خواست، بلکه همی کرد و نیت آن نذراو، که وفا کند یا نه (طبری ۱۳۶۵، ج ۵-۶: ۱۵۳۰).

پس از گذشت سال‌ها از ازدواج حضرت ابراهیم علیه السلام با ساره چون بچه‌دار نشدند، حضرت ابراهیم علیه السلام به اصرار ساره با هاجر که کنیزشان بود ازدواج کرد و از وی صاحب فرزند پسری به نام اسماعیل شد. ساره از حسادت به علاقه بیشتر ابراهیم علیه السلام به هاجر، هاجر و فرزندش را از خانه بیرون کرد. از طرف خداوند وحی بر حضرت ابراهیم علیه السلام نازل شد که آن‌ها را به منطقه بیابانی‌ای بین دو کوه صفا و مروه برده و رها سازد و آن حضرت نیز این کار را کرد. پس از تمام شدن ذخیره آب هاجر، اسماعیل که از تشنگی بی‌قراری می‌کرد، مادر به دنبال آب بر قلعه دو کوه صفا و مروه سراب آب می‌دید و برای آوردن آب هفت مرتبه مسافت بین دو کوه را طی کرد. در آن لحظه به اذن خدای توانا و مهربان از ضربه پای اسماعیل علیه السلام بر زمین، چشمه‌ای جوشید و خروشان شد. سال‌ها گذشت تا این‌که روزی حضرت ابراهیم علیه السلام به فرمان خداوند جهت قربانی کردن فرزندش اسماعیل علیه السلام راهی آنجا شد. با دیدن فرزندش که اینک جوانی زیبا و برومند شده بود، ابتدا او را نشناخت. از

این‌که باید او را قربانی می‌کرد بسیار غمگین شد، ولی چون امر خداوند لازم‌الاجرا بود و به بزرگی و مهربانی خداوند ایمان داشت، لذا این امر را با اسماعیل علیه السلام در میان گذاشت. اسماعیل علیه السلام هم که به خداوند یکتا ایمان داشت، فرمان خدا را پذیرفت و به همراه پدرش راهی قربانگاه شد. در بین راه شیطان برای منحرف کردن حضرت ابراهیم علیه السلام بارها ظاهر شد و هربار آن حضرت سنگی به طرف شیطان پرتاب می‌نمود، تا این‌که به محل مورد نظر رسیدند. حضرت ابراهیم علیه السلام چاقو را برگردن اسماعیل علیه السلام نهاد، ولی چاقو نبرید. ناگهان حضرت جبرائیل علیه السلام فرمود: «ابراهیم، تواز امتحان خداوند سربلند بیرون آمدی و اینک این گوسفند را به جای فرزندت در راه خدا قربانی کن». چند سال بعد حضرت ابراهیم علیه السلام از جانب خداوند مأمور بازسازی کعبه/خانه خدا شد و این‌کار را به‌کمک فرزندش اسماعیل علیه السلام انجام داد (فقیری، ۱۳۹۰: ۳۳-۳۲).

مهر و اثر مهر

مهرها از گونه دست‌ساخته‌های دوران پیش از تاریخ هستند که به واسطه آن‌ها، نقوش را بر روی لوحه‌های گلی منتقل می‌کردند. مهرها را از اجسام گوناگون و مختلفی ساخته‌اند و نقوش ایجادشده در لوحه‌های گلی یکی از جمله راه‌هایی است که ما را به زمان و قدرت آن‌ها رهبری می‌کند. مهرها به دو دسته اصلی: مهرهای مسطح (استامپی) و استوانه‌ای تقسیم می‌شوند. جنس ابتدایی‌ترین مهرها از گل پخته، سنگ گچ، سنگ آهن، مرمر و سپس از سنگ‌های قیمتی مختلف دیگر می‌باشد که اکثراً نقوش بر سطح آن‌ها کنده‌کاری شده است (یوسفی‌زشک، ۱۳۸۹: ۱۱۸).

مهرهای مسطح (استامپی): مهرهای استامپی از نوع مهرهایی هستند که چاپ مسطح هم می‌توان آن‌ها را نام برد. این نوع مهرها به صورت مسطح بوده و نقوش به صورت کنده و برجسته (مثبت و منفی) بر سطح آن ایجاد می‌شده‌اند. این مهرها دارای ساختمانی شبیه به ساختمان مهرهای دستی امروزی دارند که از سنگ و گاهی هم از گل ساخته می‌شدند و نقوش حک شده بر این مهرها بر روی سفال‌ها و الواح گلی منتقل می‌شد. در بین نقوش این مهرها می‌توان نقش‌های هندسی، گیاهی، حیوانی و... را مشاهده کرد. برای ایجاد نقوش بر روی سنگ‌های مهرها، از ابزار و مته‌های سنگی استفاده می‌شده که جنس این ابزار محکم‌تر از نوع سنگ مهر بوده و باعث کنده شدن سنگ و حک شدن نقش بر روی آن می‌شده است (یوسفی‌زشک، ۱۳۸۹: ۱۱۹).

مهرهای استوانه‌ای: در اواسط هزاره چهارم قبل از میلاد اقوام مختلفی از بین‌النهرین و دشت سوزیان مجاور بین‌النهرین نحوه زندگی جدیدی را در پیش گرفتند تا به بهترین وجه از امکاناتی که زمین بسیار حاصل‌خیز آن نواحی در اختیارشان گذاشته بود، استفاده کنند؛ ولی این کار مشروط به کوشش فوق‌العاده بود و فشار شدید جمعیت در این ناحیه حاصل‌خیز تغییر و تحول غیر قابل اجتنابی را به همراه داشت. دسته‌بندی کارها و تمرکز یافتن مردم با ایجاد همبستگی بین خود، ملت‌های حقیقی سازمان‌یافته شهری را به وجود آوردند. می‌توان هزاره چهارم قبل از میلاد را شروع استفاده از مهرهای مختلف برای ایجاد نقش دانست. این مهرها غالباً در دست اشخاص برجسته مانند تجار و حاکمان بوده است. با حک کردن نقوش بر روی این سنگ‌ها به صورت گود و برجسته، اولین نمونه‌های استفاده از چاپ را در تاریخ زندگی بشر مشاهده می‌کنیم. از موضوعاتی که در مهرهای استوانه‌ای دیده می‌شود، می‌توان نقوش هندسی، نقوش گیاهی، نقوش حیوانی، نقوش انسانی و گاهی ترکیبی از این نقوش را با موضوعاتی خاص مانند مراسم آیینی و مذهبی، صحنه‌های جنگ و شکار، تصویر زندگی و معیشت مردم و حاکمان را مشاهده کرد. درباره کاربرد این مهرها می‌توان موارد مختلفی را بیان کرد که مهم‌ترین آن‌ها در جمعیت‌شناسی و پلیمپ کردن اجناس مورد تجارت با مراکز مختلف را بیان داشت (یوسفی‌زشک، ۱۳۸۹: ۱۲۰). از هزاره چهارم پیش از میلاد مهرهای استوانه‌ای وسیله‌ای بوده که با آن موضوع و مطلبی را که می‌خواستند

تکثیر کنند، تکثیر و پخش می‌کرده‌اند و درواقع باید گفت این نخستین وسیله چاپ و نشر بوده است. پیش از پیدایش خط با علائم و نقوشی که هریک از آن‌ها معنی و مفهوم خاصی داشته، در روی مهرهای استوانه‌ای آن را نقر می‌کرده‌اند و پس از این‌که خط پدید آمده است، مطالب و فرمان‌ها را نوشته و تکثیر کرده‌اند. نقش مهرها در ادوار متفاوت گوناگون بوده است؛ اولین نقش‌ها، نشانه کاملی از هنر، آداب، رسوم، وضع زندگی، اعتقادات و اندیشه مردمان آن روزگار بوده است. با تحقیق و بررسی در این آثار می‌توان به بسیاری از مسائلی که برای شناسایی تمدن اقوام و ملل و تقویم تاریخ آن‌ها ضروری است، دسترسی یافت. در مهرهای استوانه‌ای شکل بدنه آن‌ها منقوش است. بر مهرهای کهن هزاره چهارم پیش از میلاد بیشتر نقوش از خطوط هندسی و حیوانات تشکیل یافته است. از هزاره سوم به بعد صحنه‌های داستانی متنوع از مبارزه قهرمانان افسانه‌ای چون گیل‌گمش و انکیدو و نیز مبارزه حیوانات عجیب و غریب دیده می‌شود. از اواسط هزاره سوم تا اواخر هزاره دوم صحنه‌های متنوعی که از طبیعت الهام گرفته شده و در ضمن عقاید مذهبی و خرافات نیز در آن راه یافته، بر روی مهرها نقل است، مانند درخت مقدس که مظهر زندگی است و گاهی با تزیینات دیگری چون بز کوهی یا گاو میش که در کنار درخت حک شده‌اند، همراه است (بز کوهی مظهر فراوانی و نشانه رویدنی‌هاست). بر نوعی دیگر از مهرهای این زمان، شخصی شاخه درختی را به دست دارد که آن هم نمونه‌ای از درخت مظهر زندگی است. در صحنه‌های مختلفی که از خدایان است، افراد و معتقدان که به سوی او روی آورده‌اند، با هدایا و نذورات دیده می‌شوند. در زمینه مهر انواع مظاهر طبیعت که بستگی به موضوع نقشه دارد، از قبیل هلال ماه، ستاره که مظهر آسمان است، کوزه آب که مظهر خدای بزرگ است، میز هدایا و بسیاری از نشانه‌های دیگر که هریک نمونه‌ای از اعتقادات و توجه صاحب مهر و پیوستگی او به این مسایل می‌باشد، نقش شده است. ضمناً بایستی توجه داشت که صاحبان اغلب این مهرها آن‌ها را مانند طلسمی برای حفاظت خود از شر ارواح پلید و دفع آفات و خطرات و مصائب به کار می‌بردند. در بسیاری از مهرهای استوانه‌ای، شکل وضع زندگی مردم و پاره‌ای از صنایع آن نشان داده شده است، مانند صحنه‌های شکار، گله‌داری، کوزه‌گری، بافندگی، پختن نان، یا شخم زدن زمین و نیز آثار ساختمانی معابد یا آغل برای چهارپایان و سیلو برای حفاظت و نگهداری غله و بسیاری از مسایل دیگر... (بیانی، ۱۳۵۲: ۵۰-۴۴).

واقعۀ تاریخی ذبح اسماعیل علیه السلام در یافته‌های (اثر مهر گلی) باستان‌شناختی بابل

همان‌گونه‌که اشاره رفت، اثر مهرها یکی از جمله راه‌هایی است که با مطالعه بر روی نقوش آن‌ها می‌توان درباره زندگی اجتماعی مردمان پیش از تاریخ و نحوه فعالیت‌ها و آداب و رسوم، معتقدات و سنن و خصوصیات زندگی و... اطلاعاتی را به دست آورد. این مهرها مستندات هستند که می‌توانند چگونگی پیدایش خط و مطالعه در امور زندگی روزمره و چگونگی به کار گرفتن ابزار و ادوات زراعی و نگهداری غلات و طرز پرورش دام‌ها و صدها مورد دیگر را برای محققان افشا کنند (همایونفرخ، ۱۳۴۹: ۳۲-۴۰). یکی از این اثر مهرهای منقوش از بابل در بین‌النهرین به دست آمده است که توسط جین دیمر نیجون (Jeanne diemer nijhowne) در رساله دکتری تحت عنوان «بررسی و مطالعه نمادهای سیاسی، مذهب، و مهر و موم مهرهای استوانه‌ای بین‌النهرین در هزاره دوم پیش از میلاد» مورد مطالعه قرار گرفته است (تصویر ۱). بر روی لوح گلی این اثر مهر نقش ۶ فیگور انسانی را مشاهده می‌کنیم و صحنه‌ای که مضمون آن، قابل قیاس با واقعۀ تاریخی ذبح حضرت اسماعیل است که در قرآن کریم و دیگر منابع مذهبی آمده است، مطابقت دارد. تصویر مجسم شده در این لوحه گلی، صحنه قربانگاه و ذبح شخصی را نشان می‌دهد که شخص ذبح‌کننده به حالت ایستاده و کمان بر پشت، ردای بلند بر تن، کلاهی بر سر و ریش بلند، در یک دست خود خنجر دارد و

با دست دیگر، گردن شخص ذبح شده را گرفته که شخص قربانی نیز به حالت ایستاده و خمیده، دارای ردای بلند برتن است و دستانش از پشت بسته شده است. در پشت سر شخص ذبح کننده، یک شخص دیگر ایستاده و از روبه رو ترسیم شده که در یک دست آلتی مانند داس، ولی با دسته بلند دارد که احتمالاً یک نوع آلت جنگی است، ایستاده و حالتی محافظ از قربانی کننده را تداعی می کند. این شخص نیز دارای ریشی بلند و ردایی بلند برتن است، اما در پشت سر شخص قربانی دو فیگور قرار دارد؛ فیگور اول: پشت سر کمی در تناسبی کوچک تر ترسیم شده که نوع لباس آن که دامنی پرچین است، نشان گر مؤنث بودن آن است (شاید مادر شخص ذبح شده است) که به حالتی که دو دست خود را روی هم در مقابل بدن خود گرفته، نوعی ترس و نگرانی را نشان می دهد. فیگور دوم: شخصی است که به حالت ایستاده و در تناسبی بزرگ و غول پیکر با سری پرمو و دستی با انگشتان بلند که در دست دیگرش یک آلت جنگی (مشابه فیگور پشت شخص قربانی کننده است) دارد و پای خود را بر روی یک حیوان (سگسان) گذاشته و حالتی از شیطان را در ذهن بیننده تداعی می کند. اما در بالای سر فیگور ذبح شده یک فیگور دیگر را می بینیم که در بالای سرش و دو دست خود یک گوسفند دارد و از قسمت بالای تصویر وارد صحنه می شود که تداعی کننده فرشته ای است که گویا یک گوسفند را به قربانگاه می آورد که از ذبح شدن شخص قربانی جلوگیری کند. این داستان در مضمون خود تداعی کننده داستانی نیست، جز واقعه تاریخی نقل شده در کتب ادیان مختلف و از جمله قرآن کریم؛ یعنی واقعه تاریخی قربانگاه ذبح حضرت اسماعیل علیه السلام.

این نقش با واقعه تاریخی نقل شده در قرآن عیناً مطابقت ندارد و فقط مضمون داستان ها قابل قیاس با یکدیگر هستند؛ چراکه این دو داستان با یکدیگر تفاوت هایی نیز دارند. همان گونه که پیش تر اشاره رفت، واقعه تاریخی نقل شده در قرآن دارای دو شخصیت در صحنه قربانگاه است که حضرت ابراهیم علیه السلام به عنوان قربانی کننده، حضرت اسماعیل علیه السلام را به عنوان قربانی نقل می کند، تا اینکه بعد از دل کندن پدر از پسر و انجام عمل قربانی، گوسفندی به اذن خداوند وارد صحنه قربانگاه می شود. پس در واقعه تاریخی نقل شده در قرآن، ۳ شخصیت بیشتر حضور ندارند، اما در داستان لوحه گلی بابل ۶ فیگور انسانی و ۲ فیگور حیوانی حضور دارند. شاید این تعداد فیگور را برای درک بهتر داستان تصویرگران این اثر مهر بدین صورت به تصویر کشیده اند؛ چراکه در بطن واقعه تاریخی نقل شده قرآن نیز به صورت مجازی حضور شیطان، مادر حضرت اسماعیل (هاجر) و فرشته وحی و ایمان راسخ حضرت ابراهیم علیه السلام در انجام این فرمان باری تعالی حضور داشته اند. داستان لوحه گلی مکشوف از بابل با واقعه تاریخی ذکر شده در متون تفسیری که همه جزئیات واقعه تاریخی، از خواب دیدن ابراهیم، گفتن خواب برای فرزند، تسلیم پدر و پسر در برابر فرمان الهی، بردن فرزند به قربانگاه تا وسوسه هاجر، اسماعیل و ابراهیم توسط شیطان و پرتاب سنگ به شیطان، نبریدن چاقو و فرستادن فدیة از جانب خداوند، به صورت مفصل مطرح شده است، تطابق دارد.

این اثر مهر مکشوف از بابل که تاریخ ایجاد آن به لحاظ زمانی فاصله چندانی با عصر زندگانی حضرت ابراهیم علیه السلام ندارد، بازگوی تأثیر و نقش این داستان در افکار و اعتقاد مردمان بابل در عصر خود است. نکته قابل توجه دیگری که این داستان در ذهن و افکار بابل باقی می گذارد، این است که بعد از وقوع این داستان در بابل یکی از هدایای مهمی که به اشخاص ممتاز مانند شاه داده می شود و به صورت یک سنت فرهنگی گسترش پیدا کرده، هدیه ای نیست جز گوسفند، که به وفور بعد از این اتفاق می بینیم که در اثر مهرهای مختلف، صحنه هدیه و پیشکش به شاهان را گوسفند به خود اختصاص می دهد و به تصویر کشیده شده است (تصاویر: ۳ تا ۵).



تصویر ۱. نقش اثر مهر با صحنه قربانگاه، به دست آمده از کاوش‌های باستان‌شناختی بابل (Nijhowne, 1979: 336, plate 4, pp 243).



تصویر ۲. نقش اثر مهر با نقش صحنه قربانگاه، به دست آمده از کاوش‌های باستان‌شناختی بابل (Nijhowne, 1979: 335, Plate 3, p 185).



تصویر ۳. اثر مهر بانقش: ملازمان در حال هدیه دادن گوسفند به شاه، به دست آمده از کاوش‌های باستان‌شناختی بابل (Nijhowne, 1979: 337, Plate 5, p 405).



تصویر ۴. اثر مهر بانقش: ملازمان در حال هدیه دادن گوسفند با شاه، به دست آمده از کاوش‌های باستان‌شناختی بابل (Nijhowne, 1979: 334, Plate 2, p 77).



تصویر ۵. نقش اثر مهر، ملازمان در حال هدیه دادن گوسفند با شاه، به دست آمده از کاوش‌های باستان‌شناختی بابل (Nijhowne, 1979: 336, Plate 4, p 267).

نتیجه‌گیری

نتیجه را با همان جمله «روژه باستید» آغاز می‌کنیم: «مدت‌هاست دریافته‌ایم که هنریک بازه ساده شخصی بی‌نتیجه نیست، بلکه بر زندگی جمعی انسان‌ها اثر می‌گذارد و می‌تواند سرنوشت جوامع انسانی را دگرگون کند». باید از این جمله به این نتیجه رسید که این رابطه دو سویه چیست؟ آیا هنر خود یک فرآورده زندگی جمعی انسانی نیست؟ و سرنوشت آن وابسته به سرنوشت جوامع انسانی نیست؟ برای درک هرچه بهتر ماهیت افکار و اعتقادات و جایگاه اجتماعی، جوامع بشری را با مطالعه هنرشان می‌توان دریافت، زیرا هنر پدیده‌ای است که می‌تواند سرنوشت جوامع انسانی را دگرگون کند و بدون تردید می‌تواند به عنوان یکی از موضوعات اساسی و تعیین‌کننده در مطالعات اجتماعی و اعتقادات هر جامعه در نظر گرفته شود. به درستی باید به این جمله توجه کرد که «هنریک زبان است» و بازگوکننده تحولات مهم زمان خلق خود بوده است. هیچ‌یک از هنرها در این خصوص در دایره استثنا قرار نمی‌گیرند. هر پدیده هنری به هر زمان و مکانی که تعلق داشته باشد، به این ادعا دامن می‌زند و این نکته پذیرفته شده است که تحولات اجتماعی بخش مهم و تعیین‌کننده‌ای از هنر را تشکیل می‌دهد.

«نقوش مذهبی» در فرهنگ‌های مختلف جایگاهی فراتر از زیبایی ظاهری دارند. گرچه مقوله زیبایی و زیبا جلوه دادن آثار هنری خود یکی از شاخصه‌های مهم هنر است، ولی این نقش‌ها از ارزش‌های والاتری نیز (در معنا) برخوردارند. هر نقش فقط زیبایی، رنگ و شکل نیست، بلکه معنایی هم دارد. ظاهر بسیاری از نقش‌ها در نقوش مختلف در حکم آغاز دیدن یک معنای نادیدنی و باطنی است. مطالعه و پژوهش در ابعاد مختلف هنر، شایستگی فهم بسیاری از نشانه‌ها و نقش‌های هنرهای مختلف را در پی خواهد داشت، در غیر این صورت نمی‌توان بهره‌ای کافی از آثار مختلف هنری برد. متأسفانه بررسی این بُعد از هنر مذهبی و آیینی (قصص مختلفی مانند واقعه تاریخی ذبح حضرت اسماعیل علیه السلام) در مقایسه با ابعاد تاریخی و سیر تحول آن، کم‌تر مورد بحث و موشکافی قرار گرفته است. این موضوع که در این نوشتار بدان پرداخته شد، در وهله اول با هدف معرفی یک واقعه تاریخی از مستندات گذشته در بستر تاریخ که در قرآن و منابع تاریخی بدان اشاره رفته است، پرداخته و سعی بر آن شده است تا به رابطه دوسویه (تزیینی و معنایی) یک اثر (لوحه گلی منقوش مکشوف از بابل-عراق) هنری یافته شده با این واقعه تاریخی بپردازد که در منابع فارسی کم‌تر به آن برمی‌خوریم و به هیچ عنوان قصد آن را ندارد که ادعای جدیدی در تحولات

و اتفاقات موضوعی رخ داده در این واقعه تاریخی ایجاد کند. این مقاله با هدف جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی با پدیده هنر و بالاخره چگونگی تحول آن در بطن جامعه بابل باستان (طول هزاره دوم ق.م.) به رشته تحریر درآمده است و با هدف پاسخ دادن به بخشی از پرسش‌های موجود، به تفسیر این اثر هنری پرداخته و ممکن است جای نقد و بحث نیز داشته باشد. به هر حال یک پژوهشگر نمی‌تواند تحولات اجتماعی و فرهنگی مؤثر در خلق یک اثر هنری را نادیده بگیرد، زیرا هنر بخشی از فرهنگ است که شاید این امر دلایل بسیار مشخص‌تری داشته باشد. نکته بارز و مهم این است که هنر بالاترین رتبه تسخیر طبیعت از سوی فرهنگ است و با انواع پدیده‌ها سروکار دارد که مطمئناً از تفکرات مذهبی-آیینی افراد جامعه نشأت گرفته است، به ویژه در به تصویر کشیدن این چنین داستانی که نشأت گرفته از یک اتفاق مهم مانند آزمایش الهی حضرت ابراهیم علیه السلام بوده است. در وهله دوم، سعی بر آن شد تا ارتباط بین داستان مذکور نقل شده در قرآن و سایر منابع مذهبی با داستان لوح گلی مکشوف از بابل و اکاوی گردد و نتیجه حاصله این است که داستان لوح گلی با واقعه تاریخی نقل شده در قرآن عیناً مطابقت ندارد و فقط «مضمون» داستان‌ها قابل قیاس با یکدیگرند؛ چراکه این دو داستان با یکدیگر تفاوت‌هایی اساسی در نحوه بیان دارند. همان‌گونه که پیش‌تر اشاره رفت، واقعه تاریخی نقل شده در قرآن دارای دو شخصیت در صحنه قربانگاه است که حضرت ابراهیم علیه السلام به عنوان قربانی‌کننده و حضرت اسماعیل علیه السلام به عنوان قربانی را به صورت خوابیده با چشمانی بسته نقل می‌کند، تا این که بعد از دل‌کندن پدر از پسر و انجام عمل قربانی و بریده نشدن سر به اذن باری تعالی، گوسفندی از طرف خداوند وارد صحنه قربانگاه می‌شود. اما در داستان لوحه گلی بابل، ۶ شخصیت انسانی و ۲ هیکل حیوانی حضور دارند. شاید این تعداد هیکل‌ها را برای درک بهتر داستان آورده‌اند؛ چراکه در بطن داستان نقل شده قرآن نیز به صورت مجازی حضور شیطان، مادر حضرت اسماعیل (هاجر) و فرشته وحی و ایمان راسخ حضرت ابراهیم علیه السلام در انجام این فرمان باری تعالی حضور داشته‌اند. این اثر مهر از بابل به دست آمده و ابتلای آزمایش حضرت ابراهیم علیه السلام در سرزمین حجاز رخ داده است. لوحه گلی بابل بازگوی تأثیر و نقش این واقعه تاریخی در افکار و اعتقاد مردمان بابل در عصر خود بوده است. به هر صورت نتیجه نهایی این است که با تمام رعایت احتمال و شبهات موجود در داستان لوح گلی بابل، فقط مضمون هر دو داستان «می‌تواند» با یکدیگر ارتباط معنایی داشته باشد، و لاغیر.

پی‌نوشت

۱. (سوره نساء، آیه ۱۲۵).
۲. (سوره‌های: ابراهیم، نساء؛ آل عمران؛ نحل).

کتابنامه

- قرآن کریم.
- انجیل عیسی مسیح علیه السلام (۱۳۶۲). بی‌جا: انتشارات آفتاب عدالت، ج دوم.
- تورات (عهد عتیق)، (۱۸۳۹ م.). ترجمه تومارابنسن قس‌یس، لندن: دارالطباعه رچارد واکس.
- آقا حسینی، حسین و زراعتی، سمانه (۱۳۸۹). «بررسی تطبیقی داستان حضرت ابراهیم در متون تفسیری و عرفانی (تا قرن هفتم هجری)»، *مجله الهیات تطبیقی (علمی پژوهشی)*، سال اول، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۹، صص: ۴۱-۶۴.
- رازی، ابوالفتوح (۱۳۸۳ ق.). *تفسیر ابوالفتوح رازی*. ج ۲، ۴، ۸ و ۹. تصحیح: علی‌اکبر غفاری، تهران: اسلامیه.

- رازی، نجم‌الدین (۱۳۶۵). *مرصادالعباد*. به اهتمام: محمد امین ریاحی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- رفیع‌فر، جلال‌الدین (۱۳۸۱). *پیدایش و تحول هنر (درآمدی بر انسان‌شناسی هنر)*، تهران: نشر برگ زیتون.
- سلطانی، ابراهیم (۱۳۸۰). *روایت زندگانی حضرت ابراهیم علی‌ه‌السلام*، قم: نشر نصابیح.
- شی‌یرا، ادوارد (۱۳۴۱). *الواح بابل*. ترجمه علی اصغر حکمت، تهران: انتشارات ابن سینا.
- طاهری احمدی، محمود (۱۳۶۳). ابراهیم در آتش، تهران: امیرکبیر.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۵۰). *تفسیر مجمع‌البیان*. ج ۸. ترجمه احمد بهشتی، تهران: مؤسسه انتشارات فراهانی.
- طبری، عمادالدین (۱۳۵۶). *تفسیر طبری*. جلد ۱، ۲ و ۶. چاپ دوم. به اهتمام حبیب یغمایی، تهران: انتشارات توس.
- فقیری، امیر (۱۳۹۰). *قصص الانبیاء* (داستان‌های پیامبران). ابواسحاق خلف‌النیسابوری. به روایت امین فقیری. تصویرگر مریم طباطبایی، تهران: کتاب پارسه.
- ملک‌زاده بیانی، ملکه (۱۳۵۲). «مهرها، وسائل شناسائی روزگاران کهن (شمه‌ای از تاریخچه مهر در ایران - نقوش مهرها و کنده‌کاری‌ها - علت به وجود آمدن مهر)». *مجله هنر و مردم*. آبان ۱۳۵۲. شماره ۱۳۳. صص: ۴۴-۵۰.
- میبیدی، رشیدالدین (۱۳۶۱). *کشف الاسرار و عدة الابرار*. ۱۰ جلد. به اهتمام: علی اصغر حکمت، تهران: امیرکبیر.
- نجفی، حمیدرضا (۱۳۸۱). «حضرت ابراهیم در قرآن و عهدین». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم قرآن و حدیث، قم.
- همایون فرخ، رکن‌الدین (۱۳۴۹). «مهرها و نشانه‌های استوانه‌ای ایران باستان». *مجله بررسی‌های تاریخی*. فروردین و اردیبهشت ۱۳۴۹. شماره ۲۵. صص: ۸۹-۲۷.
- یوسفی‌زشک، روح‌الله (۱۳۸۹). «پیدایش نهادهای پیش‌حکومتی در فلات مرکزی ایران؛ خان‌سالارهای آغازیلامی در تپه سفالین-پیشوا». رساله دکتری باستان‌شناسی پیش‌ازتاریخ. دانشگاه تهران.
- Burrell, R., (1994). *Oxford First Ancient History*. New York, Oxford University Press.
- Chisholm, J. & Millard, A., (1991). *Early Civilization*. London, Usborne.
- Jeanne Diemer Nijhowne. (1979). *Politics, Religion, and Cylinder Seals: A Study of Mesopotamian Symbolism in the Second Millennium B.C.*, B. A., University of Washington.
- Northcott, J., (1988). *Detailed Study of Historical and Cultural Development in Mesopotamia*, Chicago.
- Roaf, M., (1990). *Cultural Atlas of Mesopotamia and the Ancient Near East*, New York, Facts on File.
- Roux, G., (1993). *Ancient Iraq*, Viking-Penguin, 3d Ed.
- Pc Study Bible – Bible Soft: [Http://Www.Biblesoft.Com](http://www.biblesoft.com)